

تحلیل تطبیقی دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» بر اساس نظریه‌ی

ریخت‌شناسی پراپ

صابره سیاوشی *

مبینا کبیری **

چکیده

ادبیات تطبیقی مشابهت‌های محتوایی و ساختاری میان آثار نویسندگانی از فرهنگ‌های گوناگون را بررسی می‌کند. این پژوهش به مقایسه‌ی تطبیقی داستان‌های «قریة الحروف» اثر محمود شقیب و «درخت ستاره» اثر قنبر شکری می‌پردازد و این دو داستان را با بهره‌گیری از نظریه‌ی ریخت‌شناسی، به صورت توصیفی - تحلیلی، بر پایه‌ی مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر به دنبال این است که میزان تطابق دو داستان را با نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ دریابد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در خویش‌کاری‌های موجود در دو داستان، نمی‌توان متوجه تفاوت چشمگیری شد و تنها اختلاف موجود به صحنه‌ی آغازین دو داستان بازمی‌گردد. هم‌چنین بیشتر کنش‌ها، شکلی غیر فیزیکی و درونی دارند. بیشتر خویش‌کاری‌های یافت‌شده برای کودکان شکلی لطیف و قابل فهم دارند و به نوعی در جهت رشد شخصیتی آنان به کار گرفته شده‌اند و از این جهت می‌توان گفت که هر دو نویسنده موفق بوده‌اند. هم‌چنین با وجود تفاوت‌های فرهنگی، تقریباً ارزش‌های یکسانی در این آثار مورد توجه قرار گرفته‌است و تفاوت فرهنگی لزوماً باعث تفاوت‌های چشمگیر نشده‌است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، خویش‌کاری، داستان کودک، نظریه ریخت‌شناسی.

* دانشیار، زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل: saberehsivashi@ut.ac.ir

(نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل:

mbkabiri98@gmail.com

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی، شاخه‌ی مهمی از علوم انسانی و اجتماعی است که روابط ملت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را در آثار ادبی تحلیل کرده و ارتباط‌ها و مشابهت‌ها میان ادبیات و فرهنگ‌ها را واکاوی می‌نماید تا معلوم‌گردد که اقوام مختلف از هم چه آموخته‌اند و این آموخته‌ها در آثار ادبی‌شان چگونه نمود یافته‌است. در این پژوهش، مشابهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» که برگرفته از دو فرهنگ عربی و فارسی است، به صورت تطبیقی مطالعه می‌شوند تا مشخص شود این دو اثر ادبی از نظر ساختار محتوایی، روایی، انتقال مفاهیم و ارزش‌ها تا چه میزان به یکدیگر نزدیک هستند. با توجه به اینکه بررسی آثار روایی به لحاظ شکل و ساختار، یکی از موضوعات بسیار با اهمیت در حوزه‌ی روایت‌شناسی است، دو داستان یاد شده با تکیه بر الگوی ریخت‌شناسی بررسی خواهند شد. این پژوهش، درصدد است ریخت‌شناسی دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» را با بهره‌گیری از الگوی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ^۱ بررسی نماید. سؤال اصلی پژوهش این است که این داستان‌ها تا چه میزان با الگوی ریخت‌شناسی پراپ انطباق دارند؟ برای یافتن پاسخ، بررسی پرسش‌های فرعی زیر ضروری است:

۱. در دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» تا چه اندازه از خویش‌کاری‌های سی و یک گانه‌ی مطرح شده در نظریه‌ی پراپ استفاده شده‌است؟
 ۲. الگوی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ بر کدام یک از دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» انطباق بیشتری داشته‌است؟
 ۳. مقایسه‌ی دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» با خاستگاه‌های متفاوت فرهنگی بر اساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ چه نتیجه‌ای دربردارد؟
- برخی پژوهشگران روایی معتقدند با جابه‌جا نمودن کارکردهای مورد نظر پراپ و حذف کردن برخی از آن‌ها، می‌توان نظریه‌ی پراپ را در مورد تمام داستان‌ها به کار گرفت. بسیاری از پژوهشگران، برای تحلیل و نقد داستان از الگوی پراپ استفاده کرده‌اند که این موضوع می‌تواند ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این دست را نیز توجیه کند. در مورد روش این پژوهش نیز باید گفت که بر پایه‌ی مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و مقایسه‌ی دو داستان «قریة الحروف» و «درخت ستاره» در چارچوب الگوی ساخت‌گرای پراپ صورت می‌پذیرد.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

داستان «درخت ستاره»، داستانی از مجموعه داستان‌های کتاب *قصه‌های مادر بزرگ* است که در سال ۱۳۵۸ توسط «قنبر شکری پینوندی»^۲ نوشته شده است. درباره‌ی داستان «درخت ستاره» نقد و پژوهشی صورت پذیرفته است، از این رو می‌توان ادعا نمود پژوهش حاضر تنها مطالعه‌ی انجام شده در خصوص آثار این نویسنده است که می‌تواند ضمن گشودن راه برای سایر پژوهشگران، زمینه‌ساز نقد، تحلیل و تطبیق آثار این مؤلف باشد. داستان «قریة الحروف» اثر «محمود شقیر»^۳ است. درباره‌ی آثار او پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است. از جمله:

- ملاابراهیمی، عزت و فاضلی، زهرا. (۱۴۰۲). مقاله‌ی «الرمز وأبعاده الدلالية فی روایات محمود شقیر للأطفال». *دراسات فی اللغة العربیة وادابها*، سال چهاردهم، شماره ۳۸، صص ۱۸۹-۲۱۰: در این پژوهش به رمان‌های *أنا وجمانه*، *کلام مریم* و *أحلام الفتی النحیل* پرداخته شده است و نگارندگان نشان داده‌اند که محمود شقیر چگونه از نمادها برای اهدافش استفاده کرده است که البته این پژوهش در مورد داستان‌های شقیر و بر اساس نظریه‌ی پراپ نیست.

- اکبری فارخونی، مهدی. (۱۳۹۲). پایان‌نامه‌ی بررسی موردی *داستان‌های «الحاجز، مهنه‌الدیک و الملوک الصغار»* در این پژوهش سه مجموعه از داستان‌های کوتاه شقیر برای کودکان بررسی شده و نویسنده مواردی مانند: ساده‌نویسی، بیان قابل فهم، پرداختن به مسائل جدید را از ویژگی‌های سبکی شقیر بر شمرده است، این پایان‌نامه نیز بر اساس داستان انتخابی پژوهش حاضر و بر اساس نظریه‌ی پراپ نیست.

کاظم‌زاده، نسرین؛ روشنفکر، کبری. (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان معاصر عربی با بررسی موردی مجموعه داستان «طقوس للمرأة الشقیة»». *لسان مبین*، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۲۸-۱۴۹: در این مقاله، مجموعه داستان انتخاب شده، سبک‌شناسی شده و مشخص گردیده که تکنیک‌هایی مانند: هنجارگریزی، فشردگی و حجم استفاده از فعل مضارع در بیان واقعیت‌ها در این مجموعه اثرگذار بوده است، اما بررسی‌ها بر اساس نظریه‌ی پراپ نبوده است.

- کاظم‌زاده، نسرین. (۱۳۹۰). پایان‌نامه‌ی «بررسی عناصر داستان در داستان‌های محمود شقیر»: در این پژوهش به بررسی عناصر ساختی در داستان‌های محمود شقیر پرداخته شده و پس از بررسی ابعاد مختلف ساختی مانند: مضمون، شخصیت، زمانو گفت‌وگو از مهم‌ترین عناصر داستانی‌های او شمرده شده‌اند و این بررسی بر اساس نظریه‌ی پراپ نیست.